

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: والننتین کاتاسانوف\* (Valentin Katasonov)

برگردان: ا. م. شبیری

۱۱ جنوری ۲۰۲۳

## به مناسبت سالگرد بعدی بانک مرکزی امریکا



از بیش از نیم قرن پیش، دالر امریکا ارزی بوده است که نه با کالا، نه با طلا، نه با سرزمین یانکی، بلکه با کاغذ پشتیبانی می‌شود.

دالر به شکل یک سکه نقره از اواخر قرن هجدهم در دنیای جدید (یانکی) ضرب شد و از آغاز قرن بیستم به دلیل ایجاد بانک مرکزی امریکا- نهاد فدرال رزرو ایالات متحده در دسامبر ۱۹۱۳ به ابزار هژمونی امریکا تبدیل گردید.

از اواخر قرن هجدهم بانکداران دنیای قدیم، به‌ویژه لندن‌سیتی تلاش‌هایی برای تأسیس بانک مرکزی در امریکا به عمل آوردند. پدران- بنیانگذاران ایالات متحده درک می‌کردند که با ایجاد بانک مرکزی، امریکا تحت کنترل بانکداران رباخوار اروپائی (عمدتاً انگلیس) در خواهد آمد. بدون اغراق می‌توان گفت که تاریخ ایالات متحده امریکا در قرن نوزدهم را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن تلاش‌های دامن‌دار و ام‌دهندگان اروپائی برای تأسیس بانک مرکزی امریکا و مقاومت رؤسای جمهور امریکا که نمی‌خواستند دنیای جدید را به بردگی بکشند، درک کرد. کافی است سخنان اندرو جکسون (۱۸۲۹-۱۸۳۷)، هفتمین رئیس جمهور امریکا را که با این جمله به پای صندوق رأی رفت، به خاطر آوریم: «یا اندرو جکسون و بانک مرکزی نه و یا بانک مرکزی، اندرو جکسون نه!» و اندرو جکسون برنده شد.

پروژه مخفیانه تأسیس بانک مرکزی امریکا در نیمه دوم قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم تدارک دیده شد. کنگره ایالات متحده در طول سال ۱۹۱۳ مشغول تهیه لایحه تأسیس بانک مرکزی بود که به طور غیر عادی نظام فدرال رزرو ایالات متحده نامیده شد و هیچ کس حدس نمی‌زد که این بانک مرکزی است. قانون به رأی گذاشته شده توسط رئیس جمهور وودرو ویلسون با سرعت برق (یک ساعت پس از رأی‌گیری) امضاء شد.

نظام فدرال رزرو ایالات متحده آمریکا یک شرکت خصوصی است. آن را بزرگترین بانک‌ها- بانک‌های انگلیس، قاره اروپا و آمریکا تأسیس کردند. آن‌ها همچنین مقدمات جنگ جهانی اول را که برایشان یک پروژه تجاری غول‌آسا بود، رهبری کردند. فدرال رزرو آمریکا در سال‌های جنگ، وام‌هایی با نرخ بهره بالا (از طریق واسطه‌گری بانک‌های مختلف) به کشورهای متخاصم پرداخت و با این ربا، به طرز غیرقابل وصفی غنی شد.

با این حال، برخی قانونگذاران امریکائی تأسیس فدرال رزرو را یک فاجعه ملی تلقی می‌کردند. به عنوان مثال، لیندبرگ، عضو کنگره هشدار داد که «قانون فدرال رزرو... بزرگترین شرکت در جهان را ایجاد کرد. هر گاه رئیس جمهور این قانون را امضاء کند، دولت نامرئی با قدرت پول مشروعیت می‌یابد. قانون جدید هر زمان که شرکت‌ها بخواهند، تورم ایجاد خواهد کرد. از این پس رکود بر مبنای علمی ایجاد خواهد شد» (رالف اپرسون. دست نامرئی. سن پترزبورگ: ۱۹۹۶، ص ۲۰۶).

«اولین بانکداری در سال ۱۹۲۰ شروع به کار کرد. لیندبرگ در اکونومیک پنچ (Economic Pinch) که در سال ۱۹۲۱ منتشر شد، نوشت: «طبق قانون فدرال رزرو، ترس بر مبنای علمی ایجاد می‌شود. این وحشت اولین موردی بود که به صورت علمی ایجاد شد، مثل یک مسأله ریاضی محاسبه شده بود.»

وحشت بانکی سال ۱۹۲۰ تمرین نمایشنامه «بحران بانکی و اقتصادی» بود. اولین کارگردانان و مدیران تولید، روچیلدها و پل واربورگ (مرد روچیلدها، یکی از لابی‌گران اصلی قانون فدرال رزرو) بودند و بانک‌های عضو فدرال رزرو بازیگران آن (همه بانک‌های امریکائی داوطلبانه- اجباری عضو شدند).

نمایشنامه در سه پرده اجرا شد: ۱- نشر اعتبار فعال. ۲- فشرده‌سازی انتشار اعتبار و برداشت وام‌های صادر شده قبلی. ۳- ساماندهی ورشکستگی مشتریان و وصول «برداشت» در قالب جمع آوری وثیقه و خرید دارائی‌هایی که قیمت آن‌ها در بازار کاهش یافته بود. اکنون شاهد تولید جدید این نمایش به سرپرستی جروم پاول، رئیس فدرال رزرو هستیم. اولین پرده این نمایش که بیش از یک دهه به طول انجامید، به پایان رسید. در سال ۲۰۲۲ نمایش دومین پرده آغاز شد. فاجعه‌بارترین پرده در سال ۲۰۲۳ پیش‌بینی می‌شود.



جی. پاول، رئیس فدرال رزرو

نتایج وحشت بانکی سال ۱۹۲۰ پرآئیه بود. مقادیر زیادی زمین کشاورزی که به عنوان وثیقه مورد استفاده قرار گرفت، به دست صاحبان اصلی فدرال رزرو افتاد. ۵۴۰۰ بانک ورشکست شد و دارائی‌های آن‌ها را همان صاحبان فدرال رزرو تصاحب کردند.

در سال ۱۹۲۹، رکود بزرگ گسترش یافت. محصولات آن حتی غنی‌تر از سال ۱۹۲۰ بود. حدود ۱۶ هزار بانک از کار افتاد (بیش از نیمی از تعداد کل بانک‌ها). در نتیجه، موقعیت رباخواران اصلی بشدت تقویت شد. کنترل ۵۰

درصد از دارائی‌های بانکی کشور را ۱۰۰ بانک از میان ۱۴ هزار بانک به دست گرفتند. ۲۵ درصد از کل سپرده‌های بانکی در ۱۴ بانک بزرگ متمرکز شد. تجمع و تمرکز سرمایه بانکی اتفاق افتاد.

لویس مک فادن، نماینده کنگره در ۱۰ جولای ۱۹۳۲ در مجلس نمایندگان ایالات متحده حاضر شد و فدرال رزرو را به ایجاد عمدی بحران در کشور متهم کرد. سال بعد، او همچنین پیشنهاد داد که وزیر خزانه‌داری، وزیر کنترل دارائی و همه مقامات فدرال رزرو به دلیل ارتکاب جرایم متعدد، از جمله خیانت و کلاهبرداری از سمت خود برکنار شوند. بعد از این، مک فادن چندین بار مورد سوءقصد قرار گرفت. او در سال ۱۹۳۶ چشم از جهان فرو بست. علت مرگ او «ایست قلبی ناگهانی» اعلام شد. اما احتمال یک قتل برنامه‌ریزی شده را نمی‌توان رد کرد.



بسیاری از دولتمردان (از جمله روسای جمهور آمریکا)، که سعی کردند از ایجاد بانک مرکزی آمریکا جلوگیری کنند یا انحصار فدرال رزرو در انتشار پول را محدود سازند، طبق برنامه و به طرز مشابهی ترور شدند. جدیدترین نمونه آن، ترور جان اف کندی، رئیس جمهور در سال ۱۹۶۳ در دالاس بود. هیچ کس به نسخه رسمی (به تنها بودن تروریست قاتل- لی هاروی اسوالد) باور نمی‌کند. کندی درگیری جدی با فدرال رزرو داشت. او به انحصار فدرال رزرو برای انتشار پول خدشه وارد کرد. کندی در ۴ جون ۱۹۶۳، چهار ماه قبل از مرگش، دستور العمل انتشار اوراق خزانه با پشتوانه نقره موجود در ذخایر خزانه‌داری را امضاء کرد. این پول بی‌بهره، بدهی ایجاد نمی‌کرد. از نظر رباخواران، این همان تجاوز گستاخانه به قدرت آن‌ها بود که صد سال قبل از این تصمیم نیز بواسطه آبراهام لینکلن، رئیس جمهور آمریکا برای چاپ «دالر سبز» (همچنین اسکناس خزانه) با دور زدن بانکداران صورت گرفته بود (او نیز به دستور بانکداران کشته شد).



لازم به ذکر است که محصولات تولیدی چاپخانه فدرال رزرو در ابتداء دارای کیفیت بالائی بود. در طول جنگ جهانی اول، بانک‌های مرکزی همه کشورهای که قبلاً ستندرد طلا را پذیرفته بودند، مبادله اسکناس‌های کاغذی را به حالت

تعليق در آوردند. اما در امريکا مبادله صورت می‌گرفت، يعنی دالر در مقايسه با پوند انگليس، فرانک فرانسه و ساير ارزهای اروپائی رقابتي‌تر بود. علاوه بر اين، پس از کنفرانس بين‌المللی برتون وودز (۱۹۴۴)، که واحد پول امريکا در آن یک وضعيت ويژه به عنوان «ارز جهانی» کسب کرد، دالر امريکا بيشتري از ساير ارزها افزايش يافت. وضعيت آن در اثر تعهد مقامات پولي امريکا به مبادله پول کاغذی با طلا، مجدداً تقويت شد. با اين حال، اين تعهد فقط به مقامات پولي ساير کشورها و نه شهروندان امريکائی تعميم يافت. با فرمان رئيس جمهور روزولت در سال ۱۹۳۳، آن‌ها از داشتن فلز گرانبها منع شدند و در ۱۵ اگست ۱۹۷۱، وزارت خزانه‌داری ایالات متحده رسماً توقف مبادله «کاغذ سبز با فلز زرد» را اعلام کرد. دالر امريکا در مدت بيشتري از نيم قرن، ارزی بود که نه با کالا، نه با طلا، نه با سرزمين دنياي جديد، بلکه به واسطه اوراقي به نام «اوراق خزانه‌داری ایالات متحده» و اوراق دارای پشتوانه وام مسکن پشتيباني می‌شد. اما اين تکه‌های کاغذ باعث حواس پرتی می‌شوند. پشتوانه اصلی دالر، ناوهای هواپيماير، بمب‌افکن‌ها و پايگاه‌های نظامی پراکنده در سراسر جهان هستند.



فعاليت‌های فدرال رزرو ایالات متحده امريکا در طول تاريخ ۱۱۰ ساله خود با فريبکاری، کلاهبرداری و حيله‌گری محض همراه بوده است. نام «نظام فدرال رزرو ایالات متحده» گمراه‌کننده است.

اولاً- کلمه «فدرال» اين توهم را ايجاد می‌کند که گویا اين، یک نهاد عمومی است در صورتی که اصلاً چنین نيست. آن، یک ساختار خصوصی از نوع سهامی هلدینگ (شرکت سهامی دارای شرکت‌های زیر مجموعه) است و اين هلدینگ خصوصی به گروه محدودی از افراد تعلق دارد.

ثانياً- کلمه «رزرو» (ذخيره) اين احساس را به وجود می‌آورد که انگار پولي که اين مؤسسه چاپ می‌کند، دارای نوعی پشتوانه است که قدرت خريد ثابت پول و ثبات ناشر را تضمين می‌کند. اما اين ساختار ذخاير بسيار کمی به صورت طلا (به نسبت حجم پول) در اختيار دارد. علاوه بر اين، طلا، همانطور که در اسناد رسمی گزارش شده، در ترازنامه خزانه‌داری ایالات متحده ثبت شده است، نه در ترازنامه فدرال رزرو. «ذخيره» اصلی فدرال رزرو همان اوراق قرضه خزانه‌داری ایالات متحده است. اما اوراق قرضه نیز مثل همان تکه‌های کاغذ اسکناس هستند.

ثالثاً- کلمه «نظام» نیز بيانگر وضعيت امور نيست. فدرال رزرو به طور رسمی یک مجموعه متشکل از ۱۲ بانک است. قانونگذارانی که اين قانون را در سال ۱۹۱۳ تصويب کردند، اين توهم را داشتند که یک شبکه غيرمتمرکز متشکل از مؤسسات در حال ايجاد است. از ۱۲ بانک فدرال رزرو «برابر»، در واقع، یکی «برابريست» است. سخن از بانک فدرال رزرو نيويورک می‌رود که اکثريت قريب به اتفاق دارائی‌های فدرال رزرو و کل عرضه پول را در اختيار دارد و آن، در واقع، بانک مرکزی امريکاست. در هر صورت، همه ۱۲ بانک فدرال رزرو تحت نظارت

شورای حکام فدرال رزرو فعالیت می‌کند (مقر آن در واشنگتن است). هیأت حکام نیز به نوبه خود توسط سهامداران عمده فدرال رزرو نیویورک «مدیریت» می‌شود. علاوه بر نظام سرمایه‌داری، دالر عامل خانه‌خرابی بشر است.

نقل از: [تارنمای بنیاد فرهنگ ستراتیژیک](#)

۱۹ دی- جدی ۱۴۰۱

\* - پروفیسور، دکتر علوم اقتصادی، مدیر مرکز پژوهش‌های اقتصادی «شاراپوف» فدراسیون روسیه